



پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: موسی الرضا کیخسروی، ۱۳۹۵

بررسی تطبیقی صورت نوعیه از منظر حکمت متعالیه و فلسفه مشاء

چکیده:

نحوه پیدایش موجودات و اشیائی که در خارج هستند از دیرباز از مهمترین مسائل فلسفی بوده است. هرکدام از فیلسوفان سعی داشته اند به این پرسش پاسخ دهند که اشیاء چگونه پدید می آیند؟ و چگونه یک شیئی؟ شیئی می شود و یک شیئی از چه اجزائی تشکیل شده است؟ پیروان مکتب مشاء با عنایت به این که معتقد به اختلاف و تباین وجودها هستند؟ صورت سیال از نگاه آنها معنی نداشته و ترکیب جسم را ازدو جوهر هیولا و صورت می دانند. تغییرات و تحولات اجسام ناشی از کون و فساد و خلع و لبس بوده و منشاء ایجاد شیئی که صورت نوعیه باشد را عقل فعال با در نظر گرفتن سلسله مراتب طولی عقول می دانند. پیروان حکمت متعالیه با توجه به معتقد بودن اصالت وجود و تشکیک در حقیقت وجود و فرع بودن ماهیت تحقق اجسام را مبتنی بر نظریه وحدت شخصی وجود و تجلی آن در قوالب مختلف می دانند. تغییرات و تحولات در اجسام را ناشی از حرکت جوهر و لبس بعد از لبس دانسته و به یک صورت سیال قائل هستند. صورت شیئی را همان ماهیت آن دانسته و منشاء ایجاد شیئی و صور نوعیه را تنزل مراتب وجود و حرکت به سوی تعالی می دانند. در این رساله به تبیین دیدگاه‌های این دو مکتب فکری و وجوه افتراق و اشتراک آنها در خصوص ترکیب جسم چگونگی ایجاد اجسام و صور نوعیه پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: جسم ترکیب جسم هیولا صورت جسمیه صورت نوعیه حرکت جوهری

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۰۴۱۰۹۴۲۰۰۳

تاریخ دفاع: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

رشته‌ی تحصیلی: فلسفه و حکمت اسلامی

دانشکده: علوم انسانی

استاد راهنما: دکتر حسین بهروان

M.A. Thesis:

a comparative study of the concept specific from in peripatetics and transcendentalism

The emergence of creatures and objects that are on the outside has long been an important philosophical problems.

Each of philosophers have tried to answer the question of how objects appear? And how an object, and the object is an object composed of what?



they are in different forms. If the object is known as its nature and causes of degradation of objects and forms of existence and move towards excellence archetypical form turns out to know.